



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال دوم (دوره جدید) / شماره هشتم / تابستان ۱۴۰۰



20.1001.1.26764830.1400.2.8.4.9

بررسی کتابشناسانه آثار تودور نولدکه در زمینه شرق شناسی تمدن اسلامی (۱۸۳۶-۱۹۳۰ م)

عبدالرفیع رحیمی^۱ / فوزیه جوانمردی^۲
(۹۰-۱۱۱)

چکیده

از قرن نوزدهم با شروع تحقیقات شرق شناسی اسلامی در سرزمین های آلمانی زبان (آلمان، بلژیک، اتریش، لوکزامبورگ، سوئیس)، شاهد جایگاه حاشیه ای آن در زندگی فکری محققان این ناحیه هستیم. وجود تعبیر عامیانه، بر جدی نبودن و حالت تفنی داشتن مطالعات شرق شناسانه در آلمان دلالت دارد. باوجوداین، سرزمین ژرمن محققان بزرگی در زمینه مذکور در دامان خود پرورش داد که از جمله این شرق شناسان تمدن اسلام می توان تودور نولدکه، خاورشناس برجسته و متخصص تاریخ و تمدن اسلام را نام برد. پژوهش حاضر بر آن است تا با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی به بررسی افکار و انگیزه های این شرق شناس معروف آلمانی پردازد. با واکاوی منابع مختلف می توان گفت، بهره مندی نولدکه از علوم مختلف، هم چون، آگاهی از علوم مربوط به خاورشناسی، پرداختن و توجه به رشته های تاریخ و تمدن اسلامی، تسلط بر زبان های سامی، حقیقت جویی، نگاه لغت شناسانه و دقت و بصیرت در تمام آثار برجای مانده از وی از جمله دستاوردهای این پژوهش نسبت به شخصیت علمی این مستشرق به شمار می رود.

واژه های کلیدی: خاورشناسی، نولدکه، تمدن اسلام، ایران، آلمان، علم.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول) aghabeigom@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران.

fouziehjavanmardi@yahoo.com

مقدمه

در سده ۶ ق. برابر با ۱۲ م. بیشتر اعضای کلیسا، مردم مغرب‌زمین را به جنگ صلیبی بر ضد مسلمانان فرامی‌خواندند، اما پطرس مکرّم^۱ تأکید می‌کرد که برای غلبه بر مسلمانان فعالیت‌های تبلیغی؛ بیش از جنگ می‌تواند مؤثر باشد، مشروط بر آنکه مبلغان نخست اسلام را بشناسند و این آغازی بر شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی شد. وی دستور داد قرآن ترجمه شود؛ عملی که تا این زمان بی‌سابقه بود و اقدام بسیار مهمی به‌شمار می‌آمد؛ زیرا برای نخستین بار بود که منبع اصلی شناخت اسلام در دسترس غربی‌ها قرار می‌گرفت تا براساس آن به پژوهش درباره سرزمین‌های شرقی دست بزنند. در این میان مستشرقان زیادی دست به شرق‌شناسی زدند که تودور نولدکه آلمانی در زمره این افراد بود. وی تحصیلاتش را در رشته الهیات و فلسفه و کلیه زبان‌های سامی تا مقطع دکتری به پایان رساند و در پایان‌نامه خود با عنوان تاریخ قرآن در دو بخش، به تاریخ ادبی قرآن، با استفاده از منابع اسلامی و تحقیقات خاورشناسان اروپایی پرداخت و موجب پدید آمدن آثاری شد که هم از لحاظ کمی و هم از حیث کیفی فراوان و قابل تقدیر است.

مسئله پژوهش حاضر آن است که آثار مهم خاورشناسانه و مبتنی بر دین اسلام نولدکه چه بوده و در مطالعات شرقی خود چه نیات و انگیزه‌هایی داشت؟ برداشت‌هایی که افراد مختلف از این محقق داشتند، نشان دهنده اهمیت آثار نولدکه است. از جمله ادوارد گرانویل براون^۲؛ خاورشناس بریتانیایی قرن ۱۹ و ۲۰ م. که می‌گوید: «بی‌شک بعضی از خاورشناسان در تحقیقات خود فقط در جستجوی حقیقت علمی و ادبی و تاریخی بوده و خواسته‌اند به جهان دانش و ادب خدمت کنند و کوشش‌های ملل دیگر را در نشر معارف بشر و تمدن جهانی به جامعه خود و جهانیان بشناسانند و احترام و قدرشناسی جوامع را نسبت به ملت‌های متمدن و متمدن باسابقه دیرین و کهن، جلب نمایند و برانگیزند.» (براون، ۱۳۶۹: ۳-۴) وی نولدکه را در ردیف این گروه از مستشرقین قرار داد و افرادی نظیر او را به دور از غرض‌ورزی‌های استعمارگران و سیاست‌مداران و بازرگانان می‌دانست و آن‌ها را افرادی صرفاً طالب حقیقت معرفی می‌کند. رژی بلاشر^۳ خاور-شناس بزرگ فرانسوی که از شاگردان برجسته نولدکه بود، درباره استادش می‌گوید: «کار شگرف

1. Peter Makram

2. Edward Granville Browne

3. Régis Blachère

تاریخ قرآن را مدیون نولدکه و مکتبش هستیم.» (بلاشر، ۱۳۷۲: ۲۸) نولدکه با طبقه‌بندی خاص خود، نکاتی را به‌صورت اطمینان‌بخش روشن ساخته و در ارتباط با سیر تاریخی نزول قرآن، انتظار خواننده غربی را به درک معانی آن برآورده می‌کند. در واقع «بدون دسترسی به طبقه‌بندی نولدکه آشنایی با قرآن به آسانی ممکن نبود زیرا ناهماهنگی اسلوب کتاب سبب گمراهی می‌گردید.» (بلاشر، ۱۳۷۲: ۵۲) استیفان فیلد^۱ نیز درباره تاریخ قرآن نولدکه می‌گوید: «هر شرق‌شناسی که بخواهد به پژوهش‌های شرقی بپردازد باید کتاب نولدکه را بخواند» و اعتراف می‌کند که در فهم فرهنگ و تمدن اسلام، این نسل همواره بر پژوهش‌های نسل پیشین خود تکیه می‌کنند، این واقعیتی است که خود شرق‌شناسان نیز به آن اعتراف کرده‌اند. (الدسوقی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

قریب هفتادوپنج سال پس از زمانی که نخستین چاپ «تاریخ قرآن» نولدکه در سال ۱۸۶۰ م. انتشار یافت، دانشمند ایرانی ابوعبدالله زنجانی در بخش‌های پایانی کتابش به اثر بازنگری شده تاریخ قرآن اشاره کرد. زنجانی، نولدکه را دانشمندی بزرگ خوانده و تاریخ قرآن او را کتابی با ارزش دانسته و حتی چکیده‌ای از مباحث وی در باب ترتیب نزول سور قرآن را در کتاب خود آورده است. (زنجانی، بی‌تا: ۱۷۶) در دیدگاه معاصرینی چون گنورگ اشتاوت، اسلام‌شناس آلمانی، نولدکه ابتدا از اسلام متنفر بود و این گلدزیه‌ر بود که با نامه‌هایی که برای وی نوشت از اصالت علمی که در تفسیر قرآن و حدیث وجود داشته، دفاع کرد و او را به بررسی اسلام تشویق کرد. طی همین نامه‌ها بود که نولدکه هم به اهمیت اصالت این متن و سایر متون اسلامی پی برد. (نگارنده: ۱۳۷۲/۱۰/۹۴) اسدالله مبشری نیز در مقدمه ترجمه کتاب درآمدی بر قرآن بلاشر چنین آورده است: «مستشرقانی چون نولدکه و شاگردانش به دنبال آن بودند که اهمیت قرآن را نشان بدهند و این‌که اندیشه‌ها و مطالب درباره مؤسس اسلام و قرآن که پیش از این در اذهان مردم اروپا جای گرفته واقعیت ندارد و با دید اسلام منطبق نیست بلکه پیوسته تصویری که هرگز با واقعیت انطباق نداشته را در ذهن داشتند.» (ر.ک به مقدمه درآمدی بر قرآن)

اما ادوارد سعید؛ نولدکه را از دوست‌داران تمدن و فرهنگ یونانی می‌دانست که علاقه خود به یونان را از طریق اظهار عدم علاقه آشکار به شرق، ابراز می‌کرد، درحالی‌که شرق بالاخره جایی بود که موضوع مطالعه و تحقیق وی را تشکیل می‌داد. (سعید، ۱۳۷۷: ۳۷۵). وی درجایی دیگر می‌گوید: «که حاصل جمع همه کارها و فعالیت‌های او در مورد شرق تأکید و تأییدی مجدد بر این نظریه

بود که مردم مشرق زمین افراد پست و پایینی هستند.» (سعید، ۱۳۷۷: ۳۰۷). باتوجه به نظریات مختلف و در بررسی آثار موجود از تنودور نولدکه، اگرچه وی به راستی مبدع سبک‌های جدیدی برای شرق‌شناسی شد که چندان مطلوب مسلمانان نبود، ولی نباید از نظر دور داشت که وی تشنه حقیقت‌جویی و پرورش‌یافته مکتب کشوری بود که مستشرقان آن چندان به جنبه استعماری شرق توجه نمی‌کردند و بیشتر به دنبال جنبه علمی تحقیقات خود بودند. حتی در موارد زیادی نولدکه افرادی چون لامنس را به دلیل استفاده از منابع مجعول و سست سرزنش می‌کند. به طور کلی طبق دیدگاه‌های مختلف در مورد نولدکه، وی بیش‌ترین تأیید را از سوی جامعه غربی داشته است. اما به اذعان افرادی نظیر سعید نیز، نولدکه شرق را در رده پایینی می‌دانست. حتی اگر بی‌طرفی کامل وی را بپذیریم چنانکه مورد تمجید افرادی چون زرین کوب، زنجانی، دهخدا و... قرار گرفته است، ولی نباید از نظر دور داشت که در آثار وی به موارد معدودی برمی‌خوریم که قبول آن‌ها ما را با مشکل روبه‌رو می‌کند. چنانکه، در برخی موارد به نتیجه‌هایی می‌رسد و مسائلی را مطرح می‌کند که درواقع برداشت خود وی است و پایه علمی چندان به دنبال ندارد.

در پژوهش‌های پیشین صرفاً به تاریخ قرآن تنودور نولدکه پرداخته شده و نقدهایی هم که بر او شده براساس همین اثر وی است و لذا سایر آثار و تفکرات وی مغفول ماند. در این پژوهش سعی بر آن شده با بررسی زمینه‌های فکری، اجتماعی دوره محقق و نیز مطالعه مستقیم برخی از آثار نولدکه، به تحلیلی همه‌جانبه درباره وی دست پیدا کنیم. ازجمله این آثار می‌توان به شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان از محمد حسن زمانی، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن اثر محمدجواد اسکندرلو که تنها به جنبه انتقادی وی پرداخته است. تاریخ قرآن، تألیف محمود رامیار اثری جامع که به بررسی همه مؤلفان قرآن شناس از جمله نولدکه پرداخته است. به طور کلی می‌توان گفت حتی آثاری چون اس‌ترنر^۱ و ادوارد سعید هم بیشتر تمرکزشان روی شرق‌شناسی بود و نه فرد خاصی، لذا در رسالات نگاشته شده‌ای که شاخص‌ترین آن‌ها مربوط به تقی صادقی است، فهرستی از مقالات فارسی مرتبط با نولدکه نیز موجود است؛ از جمله احمد سعدی و صفر نصیریان، بررسی دیدگاه نولدکه درباره نبوت و وحی، سید محمد باقر حجتی، سید عقیل نسیمی، بررسی و نقد برخی دیدگاه‌های نولدکه درباره جمع قرآن. بررسی دیدگاه‌های نولدکه در مورد رسم الخط و قرائت قرآن. به طور کلی مقالات و کتب بسیاری نیز به زبان‌های مختلف چون انگلیسی و

آلمانی و.. نوشته شده است، اما به نولدکه، به عنوان بخش کوچکی اشاره کرده اند و در مجموع پژوهشی جامعی در این زمینه یافت نمی شود.

بررسی مفهوم شرق شناسی

در دیدگاه کلی، شرق شناسی به رشته ای گفته می شود که درباره کشورهای شرقی گفتگو و قضاوت کرده و واقعیت های آن را بررسی و تفسیر می کند. شرق شناس نیز به کسی اطلاق می شود که مطالعات وی به نحوی با مشرق زمین نسبت پیدا کند. ادوارد سعید خاورشناسی را نوعی سبک فکری می دانست که بر مبنای یک تمایز بود شناختی و معرفت شناختی میان «شرق» و غالب موارد «غرب» قرار دارد. (ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۱۵) در بررسی معنای لغوی، «استشراق» و معادل انگلیسی آن «Orientalism» است؛ این واژه به عقاید یا سیاست شرقی و رشته ای که به قول دهخدا بحث از زبان و علم و ادب ملل خاور می کند. (دهخدا: ۱۳۷۳: ۸۳۲۳) اشاره دارد.

فرهنگ وبستر، «oriental» را مشرق زمین، آسیا، یا خاور و ناحیه ای که به جغرافیای طبیعی وابسته است (Guralnikmm, 1986: 1002) و «Orientalism» را نوعی از ویژگی های رفتاری و نیز مطالعه فرهنگ مردم مشرق زمین (Ibid: 1003) می داند. فرهنگ آکسفورد نیز «Orientalism» را «خاورشناسی، زبان هنر و دیگر امور کشورهای شرقی» و نیز واژه «Oriental» را عبارت از کشورهای شرق دور، مانند ژاپن و چین می داند. (homby, 1989: 873) مفهومی که این تعریف را از خاورشناسی ارائه می دهد آن قدر کلی است که به نظر می رسد شرق شناس باید به همه یا حداقل بخش عمده ای از جوامع شرقی احاطه داشته باشد تا بتوان او را شرق شناس نامید. المنجد نیز استشراق را «توجه و اهتمام غربی ها به میراث و تمدن و زبان شرق» و مستشرق را «ادیب غربی که به بررسی میراث و تمدن و زبان شرق اهتمام می ورزد» (المنجد، ۲۰۰۱: ۷۶۵) معنا کرده است. معلوف «عالم و آگاه به زبان ها و ادبیات و علوم شرقی» را مستشرق می نامد. (معلوف، ۱۳۹۰: ۳۸۴)

شرق شناسی در ابتدا مفهومی کلی بود، همان طور که ادوارد سعید هم تعریف عام تر آن را این گونه ارائه داده بود. در واقع شرق شناسی تمام جنبه ها و شئون شرق را در بر می گرفت و به مرور زمان به سوی تخصصی شدن پیش رفت. (امیرخانی فراهانی، ۱۳۹۳: ۱۹) به طوری که در فرآیند تخصصی شدن آن به شاخه های متعددی از جمله: اسلام شناسی، ایران شناسی، هند شناسی، ترک

شناسی، مصر شناسی، چین شناسی و تقسیم شد. (الویری، ۱۳۸۱: ۱۸) ترنر هم به پیروی از صورت‌بندی ادوارد سعید، شرق‌شناسی را نحوه‌ای از تفکری قلمداد می‌کرد که بر پایه نوعی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی خاص، تقسیم‌بندی آشکاری را بین شرق و غرب ایجاد می‌کند و شرق‌شناسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «گفتمانی برای تولید و تشکیل شرق و هم چون شکل خاصی از قدرت و معرفت استعماری». (اس ترنر، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

طبق برخی از منابع واژه شرق‌شناس (Orientalist) برای اولین بار در سال ۱۷۶۶ م. در دایره المعارفی لاتین درباره «پدر بولینوس» استفاده شد. (اسماعیل احمد، ۱۹۹۲ م: ۲۹۲) اما به قولی دیگر به سال ۱۷۷۹ م. برمی‌گردد که در این سال برای اولین بار اصطلاح «Orientalism» از ماده شرق = Orient در فرهنگ انگلیسی آکسفورد به‌کاررفت و در سال ۱۸۳۸ م. همین واژه در فرهنگ علمی فرانسه درج شد. (رضوان، ۱۴۱۳ ق: ۲۳)

اوضاع فکری آلمان در زمان نولدکه

بسیار واضح است که برای به‌دست‌آوردن تحلیلی صحیح از نولدکه، توجه به زمانه و خاستگاه فکری وی مهم خواهد بود، لذا در این‌جا به بررسی اوضاع فکری آلمان از قرون ۱۹ به بعد و حضور افراد شاخص این دوره در زمینه خاورشناسی که میزان تأثیرشان را در نولدکه می‌توان دید، پرداخته می‌شود. در قرن ۱۹ م. که غرب به‌دنبال به‌کرسی نشاندن اهداف فرهنگی خود بود، بیش از هر زمان دیگری متوسل به پدیده خاورشناسی شد، از جمله دایره المعارف اسلامی لیدن که حاصل تلاش ۹ نفر از مشاهیر مستشرق از جمله آلمانی‌ها بود (الیگودرزی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۳). در این زمان در دانشگاه‌های سرزمین‌های آلمانی‌زبان، معمول بود که مطالعات زبان‌شناسی در همه زبان‌های غیر اروپایی، یعنی آفریقایی و آسیایی را تحت عنوان مطالعات شرق طبقه‌بندی کنند و نمایندگان و محققان این زمینه تحقیقاتی، همگی خود را به‌نوعی شرق‌شناس می‌نامیدند. (برت. گ، بی‌تا، ۲۷)

آلمان اگرچه پس از فرانسه و انگلیس به خاورشناسی روی آورد، اما از آن جهت که همانند آن دو کشور فرصت استعمارگری نیافت و نیز پایگاه دینی مسیحیت محسوب نمی‌شد، از دو عامل مخرب فعالیت‌های خاورشناسی دور بود. به‌همین دلیل خاورشناسی آلمان را باید جامع‌ترین و سالم‌ترین نوع خاورشناسی دانست. با این حال ویژگی دیگری در خاورشناسی آلمانی وجود دارد که

در دو مدرسه فوق‌الذکر وجود نداشت و آن هم نفوذ فوق‌العاده یهودیان در مدارس مجارستان است. همین عنصر مشترک همه انواع خاورشناسی‌ها یعنی برتری‌جویی آن‌ها، باعث گشته تا در برخورد با فرهنگ اسلامی دچار لغزش‌های متعددی شده و نیز به دلیل نحوه‌گزینش موضوعات پژوهش‌هایشان همواره از ناحیه مسلمانان، با دیده تردید و انکار نگریسته می‌شدند. در مجموع باید گفت هر پژوهشی پیرامون شرق‌شناسی بدون توجه جدی به خاورشناسی آلمان ناقص است و به قول ادوارد سعید قابل سرزنش است. (سعید، ۱۳۷۷: ۴۲) از برجسته‌ترین قرآن‌پژوهان مدرسه آلمانی می‌توان تنودورنولدکه، گوستاوویل، گریم، پریتل، شوالی، اشپنگر، برگشتراسر، ولرس، کارل بروکمان^۱ و... را نام برد. (صادقی، ۱۳۷۹: ۷۰ و ۷۱) نکته دیگر این‌که اگر پدر خاورشناسی به مدرسه خاورشناسی فرانسه تعلق دارد، پیر خاورشناسی یا شیخ المستشرقین را باید در مدرسه خاورشناسی آلمان جستجو نمود و آن‌هم کسی جز تنودورنولدکه نیست.

بسیاری از خاورشناسان و محققان زبان‌شناسی آلمانی در جنگ جهانی دوم به مناصب دولتی غیرعلمی و غیر دانشگاهی گماشته شدند (برت. گ، ۱۳۷۰: ۴۶-۴۵) که دلیلی بر حاشیه‌ای بودن مطالعات شرقی در این سرزمین است. بدین ترتیب کسی که امروزه در سرزمین‌ها و کشورهای آلمانی‌زبان خود را شرق‌شناس بنامد، منظورش این است که در زبان‌های غیراروپایی به‌خصوص زبان‌های آسیا و شمال آفریقا تحقیق و مطالعه می‌کند. اسلام‌شناسی به‌عنوان یک رشته مطالعاتی منظم از بطن شرق‌شناسی سربرمی‌آورد، اما آشکارا عناصری از زبان‌شناسی و سایر موضوعات و روش‌ها را در خود فراهم داشت. (برت. گ، ۱۳۷۰: ۲۷)

نگاهی مختصر به زندگی نولدکه

تنودورنولدکه^۲ (تنودور نُولدِکِه) (الزکلی، ۱۹۹۲م: ۵۵) با لقب بزرگ خاورشناسان آلمان و متخصص در زبان‌های عربی، فارسی و سریانی (انوری، ۱۳۸۷: ۲۲۱۳) در دوم مارس سال ۱۸۳۶ م. در شهر هاربورگ از توابع هامبورگ آلمان به دنیا آمد. البته وی با زبان‌های یونانی، لاتین، فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی و اسپانیایی نیز آشنایی داشت. (الزکلی، ۱۹۹۲م: ۹۶) سپس در شهر لینگن، زیر نظر پدرش که مدیر دبیرستان بود، تحصیلات مقدماتی‌اش را تا کسب آمادگی

1. Gustav Weil, Grimm, pretzel, Shawwal, Sprenger, Brgshtrasr, Vlrs, Carl Brvkman

2. Theodore Nöldeke

برای ورود به دانشگاه ادامه داد. در همین دوران دبیرستان به مطالعه زبان عبری پرداخت و در دانشگاه گوتینگن زبان‌های عبری، عربی، سریانی، آرامی، فارسی و ترکی و سانسکریت را فرا گرفت. (رحیمی ریشه، بی تا: ۲) به گفته خودش تنها دلیلی که برای ورود به عرصه خاورشناسی داشت این بود که «رشته مطالعات یونانی دیر زمانی است که به شکل فراگیر و همه‌جانبه مورد مطالعه قرار گرفته و مجالی برای کشف تازه‌ها در این رشته وجود ندارد، ولی زبان‌های سامی هم-چنان بکر است و به‌سادگی می‌توان به کشفیات جدیدی در آن دست یافت.» (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۷)

در واقع می‌توان گفت راهنمایی‌های استادش «هاینریش اوالد»^۱، کارشناس زبان‌های سامی و دوست پدرش نیز بی‌تأثیر نبود تا نولدکه به مطالعات شرقی روی آورد. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۷) نولدکه در ۱۸۵۶ م. و در سن بیست سالگی نخستین دکترای خود را با عنوان رساله «درباره تاریخ قرآن» دریافت داشت. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۷) وی پس از دریافت دکترای، به مسافرت‌هایی خارج از آلمان رفت. دلیل این مسافرت آشنایی پیدا کردنش با خاورشناسان مشهوری بود که موجب آگاهی وی به دست‌نوشته‌های خطی گران‌بهای عربی شد، همین امر موجب گشت تا آثار گران‌بهایی از خود برجای بگذارد. (رضوان، ۱۴۱۳ق: ۱۸۵) نولدکه در حین بررسی دست‌نوشته‌های کتابخانه وین و لیدن هلند، با مستشرقان مشهوری هم‌چون یونبول، دوزی، ماتیس دفریس و کوئن^۲ و نیز خاورشناسان جوانی چون دخویه، دیونگ و انگلمن^۳ آشنا شد. سپس به بررسی مخطوطات عربی در گوتای آلمان پرداخت. سفر به ایتالیا، لیدن، وین و انگلیس تنها سفرهایی است که نولدکه به خارج از آلمان داشت. با وجود آن‌که تخصص او به زبان، ادبیات، تاریخ و جغرافیای جهان عرب و خاورمیانه مربوط می‌شد در طول زندگی‌اش به هیچ‌یک از کشورهای اسلامی سفر نکرد. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۸)

نولدکه همچنین به مطالعه زبان نیاندایی و لهجه آسوری که هنوز در اطراف دریاچه ارومیه به آن تکلم می‌شود، پرداخت. تعیین وی در سال ۱۸۶۴ م. به‌عنوان استاد زبان‌های سامی دانشگاه کیل، انگیزه‌ای قوی برای کار جدی در زمینه زبان‌های سامی شد. اگرچه این امر وی را هیچ‌گاه از ادامه

1. Heinrich Ewald

2. Yvnbvl, embroidered, Matisse Dfrys, Kevin

3. Dkhvyh, Dong, Anglmm

مطالعاتش دربارهٔ عهد قدیم، کتاب مقدس و نگارش مقالاتی در این خصوص، باز نداشت. در سال ۱۸۷۲ م. به سمت استادی دانشگاه استراسبورگ در مرکز ایالت آلزاس که در این زمان پس از جنگ ضمیمه خاک آلمان شده بود، برگزیده شد و تا سال ۱۹۲۰ م. در این دانشگاه ماند. این دوره طولانی که بیش از پنجاه سال به طول انجامید، دورهٔ جا افتادگی و شهرت وی در زمینهٔ خاورشناسی بود. نولدکه در بهار ۱۹۲۰ م. به شهر کارلسروهه^۱ منزل پسرش نقل مکان کرد و در این جا ده سال آخر زندگی اش را گذراند وی از زمان کودکی ضعیف بود و به انواع بیماری‌ها دچار می‌شد، باین حال ۹۴ سال عمر کرد تا این که در ۲۵ دسامبر سال ۱۹۳۰ م. درگذشت. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۹-۶۰)

زمینه‌های پیدایش تفکرات شرق‌شناسی تئودور نولدکه

تحولات اروپا، بعد از رنسانس سلطهٔ کلیسا را از بین برد و به تبع آن الهیات مسیحی مورد مناقشه قرار گرفت و این منجر به پیدایش فرقهٔ پروتستان شد. متألهان پروتستان همچنین تلاش کردند با رویکردی تاریخ محور، لایه‌های کتاب مقدس را بدون تعصب دینی و با روش‌های علمی محض مورد نقادی قرار دهند. این دست پژوهش‌ها به تدریج سایر کتب آسمانی نظیر قرآن را نیز در بر- گرفت و دانشمندان غربی را به بررسی وقایع تاریخی مربوط به پیدایش و سیر وقایع قرآن کریم علاقه‌مند کرد، در شمار مطالعاتی با این رویکرد، نام نولدکه آلمانی می‌درخشد. (پارسا، ۱۳۹۰: ۷۱ و ۷۲)

نولدکه از منظر ایده آلیستی به تاریخ می‌نگریست. نگاهش منتسب به اصالت نظر و اندیشه در فرآیند تحول تاریخی بود. برخلاف مارکسیست‌ها وی بیشتر زیر بنا را فرهنگی می‌دانست. نولدکه برحسب دیدگاه ایدآلیستی خود به روابط بین‌الملل نگرشی خوش بینانه داشت و به همکاری دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید داشت. وی با افکار نژادپرستانه نازی‌ها و جنگ همواره مخالف داشت.

نولدکه همواره سعی‌اش بر این بود که احساسات و عواطف معنوی خود را در تحقیقات علمی مداخلیت ندهد و احترامش بیشتر به حقیقت است. البته دیدگاه‌های نولدکه، به دلیل علاقه‌اش به یونان چالش برانگیز است، به طوری که در نظریهٔ رایج امروزه می‌بینیم مورخ بی طرف وجود ندارد،

لذا می‌توان در بی‌طرفی کامل وی تردید کرد. در زمینه قرآن هم بیشتر نگاهش متوجه فقه‌اللغه و جریان تکوینی است. یعنی به بررسی واژه‌ها، پدیدار شدن و چگونگی تغییرات شکل نهایی واژه‌ها تأکید می‌کرد و این‌جا تحت تأثیر رمانتیسیسم آلمان سده نوزدهم بود. آثار وی برای سیاستمداران کاربردی نداشت به‌همین خاطر می‌توان گفت به دور از غرض‌ورزی و منافع شخصی یا سرزمینی بود. به‌طوری‌که منزوی هم می‌گوید، روش نولدکه علمی محض است. (گلدزیهر، ۱۳۵۷: ۴۱)

بررسی برخی از آثار شرق شناسانه‌ی نولدکه

تألیفات به‌جای‌مانده از نولدکه عبارت‌اند از:

- ۱- فهرست تألیفات غزالی ۲- گفتارهایی پیرامون شناخت شعر قدیم عرب ۳- گفتارهایی دربارهٔ زبان‌شناسی سامی (بدوی، ۱۹۸۴م: ۴۱۷) ۴- زندگانی محمد (ص) (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶۲)
- این کتاب هرچند به نحو ایجاز و اختصار نوشته‌شده، ولی نولدکه با اتکا به مآخذ تاریخی، آن‌را به نگارش درآورده است. ۵- تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان (این اثر یکی از مهم‌ترین دستاوردهای شرق شناسی بوده که حاصل کار تیمی و مشترک مستشرقان است، تصحیح تاریخ طبری به سرویراستاری خاورشناسانی چون نولدکه بود) ۶- حماسه ملی ایران ۷- اساس زبان-شناسی ایران (این کتاب در دو مجلد در استراسبورگ به چاپ رسیده است). ۸- دستور زبان عربی فصیح ۱۸۹۷ م. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۹) ۹- خمس معلقات، ترجمه و شرح (الزركلی، ۱۹۹۲م: ۹۶) ۱۰- امراء غسانی از آل جفنه ۱۱- برگزیده اشعار عربی ۱۲- تاریخ روایه‌الاسکندر (شاهد اعظم، ۱۳۸۶: ۱۵۰) ۱۳- مقاله‌ای با نام قرآن رسمی باتوجه به قرائت مصریان (صادقی، ۱۳۷۹: ۸۹) ۱۴- دستور زبان نیاندایی به سال ۱۸۷۲ م. ۱۵- در مقاله‌ای از وی با عنوان «آیا محمد (ص) معلم مسیحی داشت؟» که آن‌را به سال ۱۸۵۸ م. نوشت. این اثر در سال ۱۹۳۰ م. به‌صورت کتابی با نام آیا محمد آموزگاران مسیحی داشت به چاپ رسید. (اسکندرلو، ۱۳۹۱: ۶۴). ۱۶- حدود پنجاه نامه از نامه‌های نولدکه به گولدتسیهر (گولدزیهر). (رحیمی ریس، بی‌تا: ۱۸) ۱۷- تاریخ قرآن: وی اولین کسی است که این نوع شیوه پژوهش دربارهٔ قرآن را به‌کار بست و به‌خاطر همین کتاب به دریافت جایزه آکادمی فرانسه نائل شد و ۱۸- فهرست‌نگاری تألیفات امام محمدغزالی به سال ۱۸۶۰ م. (زمانی، ۱۳۵۸: ۳۰۸)

مهم‌ترین آثاری که از تودور نولدکه در دسترس بود به شرح زیر است:

زندگانی محمد (ص)^۱

شاید بتوان گفت دلیل تألیف آثاری از این دست، این بود که غربی‌ها دین اسلام را به نام دین محمد (ص) می‌شناختند، لذا سیره و شرح احوال آن حضرت همواره مورد توجه بود. بر «زندگانی محمد» نولده نقد‌های زیادی شده از جمله این‌که به اعتقاد نولده واژه‌ای به‌عنوان صفت پیامبر، نشان نمی‌دهد که ایشان با کتاب‌های ادیان پیش از خود آشنایی نداشته و آن‌ها را نخوانده بود و در واقع امی بودن پیامبر را انکار می‌کرد. نولده به این نتیجه می‌رسد که امی بودن بر جهل پیامبر و ناتوانی وی بر خواندن و نوشتن دلالت نمی‌کند بلکه تنها نشان می‌دهد که وی کتب عهدین را نمی‌شناخت. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۹: ۵۹) اما برای این ادعای خودش دلیلی نیاورده است. درحالی‌که در این دوران سواد خواندن و نوشتن در جزیره‌العرب، چنان کم بود که اگر کسی باسواد بود به آن مشهور می‌شد و هیچ اسمی از پیامبر به‌عنوان فردی باسواد برده نشده است. درجایی دیگر نیز برای واژه «اقرء» در آغاز سوره علق باوجودی‌که تمام مفسران و مترجمان به قرآن خواندن گرفته‌اند وی برای نخستین بار در تاریخ آن‌را به معنی وعظ کن و تبلیغ کن و نه خواندن گرفت. (رامیار، ۱۳۸۴: ۱۸) درحالی‌که معنی نولده در هیچ کتاب و تفسیر روایی نیامده است. باید گفت مستشرقان به‌دلیل پیش‌فرض‌ها و مبانی اشتباه دچار خطاهای پی‌درپی می‌شدند مثلاً نفهمیدن درست واژه‌ای باعث می‌شد، نولده در کتاب تاریخ قرآن، مصادر خارجی برای قرآن کریم در نظر بگیرد و به اشتباه اظهار کند که پیامبر (ص) در قصص قرآنی از معارف مسیحی و یهودی که به‌صورت شفاهی به اعراب منتقل شده بود، تأثیر پذیرفته است.

تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان^۲

این اثر در سال ۱۸۷۹ م. به نگارش درآمد و از جمله کتاب‌های پرارزش در مورد تاریخ ساسانیان و مهم‌ترین کتاب تحقیقی این دوره است. دلیل این امر تسلط نولده بر زبان‌های یونانی، لاتینی و سریانی و تطبیق این‌ها با منابع اسلامی - عربی و فارسی بود. نکته قابل توجه این کتاب دقت نظر و

1. Leben Mohammeds

۲. تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان/ تألیف تنودور نولده؛ ترجمه عباس زریآب خوئی. عنوان اصلی آن: Geschichte der Perser und Araber zur Zeit des Sasaniden.

توجه نولدکه به تلفظ واقعی نام اشخاص و مکان‌های ایرانی بود. (نولدکه، ۱۳۵۸: مقدمه مترجم) این کتاب در اساس ترجمه بخشی از «تاریخ الرسل و الملوك»، نوشته محمد بن جریر طبری بود. از نظر نولدکه تاریخ طبری مطمئن‌ترین منبع است؛ به این دلیل که التقاط مواد، مطالب فراوان و منابعی را که اختلاف داشته‌اند، تحریر و تهذیب نکرده بلکه در کنار هم آورده و این ارزش کار را بالا می‌برد.

تودور نولدکه در سعی عظیمی که دخویه و سایر همکارانش برای برگرداندن کامل کتاب طبری به آلمانی داشتند، متعهد به این بخش از کتاب شد. اما به‌زودی معلوم شد که به قول خود نولدکه «اجرای این قصد به اشکال برمی‌خورد و برخلاف مصلحت» بود و از طرفی به برخی حوادث بااهمیت کتاب نیز می‌بایست بیشتر پرداخته می‌شد، به قول دکتر شعبانی این‌جا بود که دانشمند پرتوان احساس مسئولیت تازه‌ای می‌کند. عینی اندیشی و دخیل نکردن احساسات که خاص محققان غربی است، در مورد نولدکه صدق می‌کند. این کار وی با وسواس علمی همراه است و اگر تعلق خاطر آشکار وی را به فرهنگ غربی و به‌ویژه یونانی و انتقادهای آشکارش را به فرهنگ شرقی و نیز کم‌التفاتی مشهود وی به مضامین اصیل حیات ایرانی را صرف‌نظر کنیم، در مجموع اثر وی شاهکار و نمونه‌والایی از تصحیح و تحشیه‌نویسی متن است. (شعبانی، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۰)

نکته دیگری که نولدکه مطرح کرد یک نوع تاریخ تطبیقی بود، به اعتقاد وی یکی از دلایل سقوط ساسانیان به دلیل عوامل جغرافیایی پایان روزگار ساسانیان بود «به‌هرحال عوامل طبیعی بر ضد یک دولت و ملت کارگر افتاد و موجب شد تا دگرگونی بزرگ و بنیادی در ایران‌زمین رخ دهد، سیل و طاعون از پیش به سود عرب‌ها که به مملکت ایران تاختند و شرایط را برای شکست ساسانیان فراهم آورد.» (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۸۳) درحالی‌که این نگرش جغرافیایی به حوادث تاریخی، به-تازگی و عمیقاً به‌عنوان علت‌یابی حوادث تاریخی مطرح شده است.

حماسه ملی ایران^۱

یکی از معروف‌ترین کارهای خاورشناسان در ادبیات ایران چنان‌که بزرگ علوی هم می‌گوید: «بحث و تحقیق پرمغزی است» که نولدکه به‌عنوان حماسه ملی ایران انجام داده است. این کتاب ابتدا باعنوان زبان‌شناسی ایران در دو جلد و سال‌های ۱۸۹۵-۱۹۰۴ م. در استراسبورگ چاپ شد. این مبحث از روزی که انتشار یافته، معتبرترین و جامع‌ترین بحث درباره حماسه‌های ملی ایران و

شاهنامه فردوسی به شمار رفته و همه کسانی که در این زمینه فعالیت دارند به این اثر نظر داشته‌اند. در سال ۱۳۰۹ دکتر نفیسی از بزرگ علوی خواست این رساله را از آلمانی ترجمه کند. با تعطیلی نشریه شرق که ناشر آن نفیسی بود این کار ماند تا اینکه با کمک مالی تقی‌زاده وزیر مالیه، به‌طور کامل ترجمه شد.

نولده معتقد بود آشنایی ایرانیان با موضوعات حماسی توسط کتاب‌های مقدسشان و نیز نوشته‌های یونان است (نولده، ۲۵۳۷: مقدمه مترجم) و می‌گوید، عده‌ای معتقدند که فردوسی مطالب خود را از کتب پهلوی و ذهن داستان‌سرایان گرفته اما این واقعیت ندارد، زیرا مطالب اساسی شاهنامه با منابع قدیمی عربی مطابقت دارد و فردوسی زبان پهلوی را نمی‌دانست. البته فردوسی از زبان عربی هم اطلاع چندانی نداشت و مآخذ وی کتب فارسی و ترجمه خدای‌نامه قدیم بود که به‌دستور ابومنصور عبدالرزاق طوسی به‌عمل آمده بود. (نولده، ۱۳۵۸: مقدمه مترجم) از طرفی هرچه به پایان شاهنامه نزدیک می‌شویم آن‌جاکه درباره ساسانیان سخن به میان می‌آید فردوسی کوشیده تا رویدادهای تاریخی صرف ارائه دهد و از روایت‌های این بخش بکاهد. (کولسینکف، ۱۳۵۵: ۸۸)

نولده می‌گوید، در تطبیق تاریخ دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی با اوستا، شاهنامه فردوسی بسیار موفق عمل کرده و نیز به‌خوبی از عهده تنوع مطالب برآمده است؛ به‌همین خاطر فردوسی را می‌ستاید و برای وی مقام استادی قائل می‌شود که دقتی به پای وی نمی‌رسد. وی تمام شاهنامه را عبارت از «تاریخ جامع شاهنشاهی ایران از بدو شروع تا انقراض آن به‌دست عرب‌ها» می‌داند. (نولده، ۲۵۳۷: ۸۸) اما به‌طور کلی از نظر نولده، شاهنامه تحریف‌شده و نیز انتقاد متن آن کار مشکلی است و آن‌را نتیجه تکامل تدریجی روایات ملی فارسی می‌داند. از طرفی می‌گوید: «علت عمده‌ای که مانع از قدردانی از شاهنامه است حجم بزرگ آن است، اصولاً خوب است که قسمت‌های این کتاب هرکدام علی‌حده خوانده شود، و به‌طور یقین مشرق‌زمینی‌ها خودشان نیز این کتاب را همین‌طور خوانده‌اند و نظر شاعر نیز چنین بوده است.» (نولده، ۲۵۳۷: ۱۴۰) این سخن وی در واقع پایه و اساس منطقی و آکادمیکی ندارد و ازسوی یک دانشمند خاورشناس دور از ذهن است و موجب نقدهایی بر آن شده است. می‌توان گفت حجم بالای شاهنامه، عظمت و بزرگی کار فردوسی را نشان می‌دهد. البته نولده درجایی دیگر در توجیه این سخنش می‌گوید، با پرداختن به جنبه مثبت شاهنامه حجم بزرگ آن‌را مانع از تفسیر آن (نولده، ۲۵۳۷: ۱۶۵) و

موجب عدم انتقاد بر آن کرده و به ما فرصت شناخت خصایص شاعر را می‌دهد. (نولدکه، ۲۵۳۷: ۱۶۴) هم‌چنین وی در بخش مربوط به تدوین شاهنامه، دقتی را گرفتار فساد اخلاقی می‌داند که پیش از او هم در ایران رواج داشته و اهل ذوق را به آن متهم می‌کند و حتی دقتی را کشته شده به دست غلامی ترک که معشوقش بوده، می‌داند. (نولدکه، ۲۵۳۷: ۴۷) اما روشن نمی‌کند که منبع او در این باره چیست و اصولاً آوردن این مطالب چه اهمیتی در اصل موضوع دارد و نیز این طبقه جامعه که ادبا بودند را از نظر اخلاقی زیر سؤال می‌برد.

تاریخ قرآن^۱

تاریخ قرآن نولدکه به سال ۱۸۶۰ م. تألیف شد و مهم‌ترین و دوران‌سازترین، پژوهش خاورشناسی درباره قرآن و مطالعات قرآنی شد. (نولدکه، ۲۰۰۴م: x1) همه قرآن‌پژوهان غربی و بیشتر قرآن-پژوهان شرق در پژوهش‌های خود تحت تأثیر این کتاب بودند. گفته می‌شود که اصطلاح «تاریخ قرآن» نخستین بار از سوی نولدکه به‌کاررفته و این امر، ناشی از نگرش خاورشناسان به متن قرآن است. (مهدوی راد، ۱۳۷۹: ۲۳۲) وی به‌دلیل کهولت سن از شوالی خواست که ساختار جلد اول این کتاب را بازنویسی کند، اما وفات شوالی مانع از این شد. در واقع، از آغاز تحریر نخست تاریخ قرآن تا شکل‌گیری نهایی آن ۸۰ سال (کریمی نیا، ۱۳۵۸: ۸۳) و سه نسل از علمای پژوهشگر قرآنی آلمان سپری گردید، تا این اثر پدید آمد.

این کتاب، متن قرآن را به‌عنوان سندی از اسناد تاریخ انسانی قرار داده و سپس به مبحث جمع کردن قرآن و تعداد قراء می‌پردازد. اثر وی در سه جزء است، جزء اول درباره منشأ و خاستگاه قرآن است و به آیات و سوره‌های قرآنی از لحاظ لغت می‌پردازد. طولانی‌ترین سوره‌ها مربوط به این دوره است، هم‌چنین کلمه الرحمن برای نخستین بار در این سوره‌ها ذکر شده و شامل ۲۱ سوره است. (ر.ک تاریخ القرآن نولدکه) نولدکه معتقد است، چون از دوران ماقبل اسلام در قسمت جنوبی و مرکزی عربستان «الرحمن» درباره خدا به‌کار می‌رفته، لذا در این سوره‌ها نیز فراوان استعمال شده است. اما در واقع هیچ ملازمه‌ای میان کاربرد زیاد این واژه و اثبات مکی بودنش وجود ندارد، به-قول اسکندرلو، عقل هرگز نمی‌پذیرد که صرفاً به دلیل کثرت کاربرد یک واژه در سوره‌ای بتوانیم دوره نزول آن را معین نماییم. (اسکندرلو، ۱۳۸۷: ۹۱) اما وجه غالب در سور مکی، در این است

که کلمه الرحمن در آن‌ها ذکر نشده است و ۲۱ سوره را در بر می‌گیرند. (نولدکه، ۲۰۰۴م، مقدمه مترجم) بخش بعدی کتاب به سوره‌های مدنی و خصوصیات آن‌ها اختصاص دارد. در این سوره‌ها بیشتر قواعد فقهی و تشریعی آمده است و سجع کمتری در آن‌ها به چشم می‌خورد. برخلاف سوره‌های مکی که در آن‌ها «یا ای‌ها الناس» آمده است در این سوره‌ها آیات با «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده است. (ر.ک به تاریخ القرآن نولدکه) در جزء دوم به مسئله جمع کردن قرآن براساس روایات می‌پردازد و آن‌ها را با دقت در مقایسه با دیگر روایات قرار می‌دهد. در جزء سوم اثرش به تاریخ متن قرآن می‌پردازد و مهم‌ترین خصوصیات نگارش مصحف عثمان را بررسی و آن‌را در مقایسه با سایر قرائات غیرعثمانی قرار می‌دهد و به‌صورت مفصل به قرائت و مشهورترین قاریان و مهم‌ترین منابع می‌پردازد. در پایان کتابش به مهم‌ترین نسخه‌های خطی قرآن که آن زمان نزد پژوهشگران معروف بوده است می‌پردازد. (ر.ک به تاریخ القرآن نولدکه)

مؤلف در تألیف این کتاب عمدتاً به سه گروه از منابع تکیه داشته است: ۱- آثار یهودی- مسیحی قدیم مانند انجیل‌های اربعه، ۲- آثار مستشرقان در تألیف این کتاب از تحقیقات شمار کثیری از اسلام‌شناسان مستشرق از جمله آگوست فیشر، گوستاو فلوگل، دخویه، گولدتسیهر، هامرپور-گشتال، هیرشفلد، هانری لامنس، الویس اشپرنگر، گوستاو وایل، یولیوس ولهاوزن^۱ استفاده شده است ۳- منابع اسلامی: نولدکه نزدیک به هفتاد درصد از منابع اهل سنت استفاده کرده و بیش از همه از طبری، ابن هشام، سیوطی، بخاری، صحیح مسلم و... بیش‌ترین بهره را برده است. در میان آثار شیعه نیز، از دست‌نویس تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر امام محمدباقر و الصافی فی التفسیر القرآن فیض کاشانی نیز استفاده کرده است. (رحیمی ریشه، بی‌تا: ۲۸)

اما باتوجه‌به مطالب این کتاب، نولدکه کوشیده تا ثابت کند که پیامبر اسلام بسیار داناتر و باسوادتر از آن بوده که مسلمانان می‌پندارند و بر تمام اسفار عهد قدیم و جدید و ادیان جزیره و ایران و جهان احاطه داشته و از آن‌ها الهام گرفته است. درجایی دیگر نیز آیات مکی و مدنی را مبتنی بر نیازهای شخصی، اجتماعی، سیاسی پیامبر دانسته و درنهایت قرآن را توجیه‌کننده زندگی پیامبر می‌داند. اما همان‌طورکه پیش از این هم اشاره شد این ادعا کاملاً رد شده و امی بودن پیامبر یک مشخصه بارز وی بود و در سرزمین کوچک عربستان این حد توانایی و سواد قطعاً نباید تا زمان پیامبری‌اش

1. August Fischer, Gustav Flugel, Dkhvyh, Gvldtsyhr, Hamrpvrgshtal, Hirschfeld, Henry Lamns, Elvis Sprenger, Gustav Weil, Julius Wellhausen

مخفی می‌شد و درجایی باید خود را بروز می‌داد. به همین خاطر الدسوقی می‌گوید «این اثر فریبنده‌ترین تألیف آکادمیک شرق‌شناسی نوین است که در ویرانگری و ایجاد تردید و تزلزل در آسمانی بودن قرآن و زدن ریشه اسلام بی‌مانند است.» (الدسوقی، ۱۳۷۶: ۴۰-۳۹) البته الدسوقی نیز در این جمله تا حد زیادی راه افراط پیش گرفته، زیرا نولدکه خود در ادامه می‌گوید مسلمانان باید خوشحال باشند زیرا که این فضیلتی برای پیامبرشان است که من برشمردم. مشخص است وی به خوبی درک نکرده بود که امی بودن پیامبر به چه دلیل اهمیت دارد و تصور می‌کرد برشمردن این فضایل برای پیامبر موجب خشنودی هم می‌شود، که حاکی از بی‌غرضی وی است.

نقد شعر عربی^۱

عبدالرحمان بدوی در کتابش با نام «دراسات حول الشعر الجاهلی»، به این اثر نولدکه و در کتاب دیگرش تحت عنوان «من تاریخ و نقد الشعر العربی القديم» به نولدکه به عنوان یکی از کسانی که به شعر عربی پرداخته‌اند اشاره کرده و ترجمه قسمتی از اثر وی را در اینجا آورده است. (بدوی، ۱۹۸۶م: ۴۰-۱۷) نولدکه در این اثرش به بررسی صحت شعر جاهلی با توجه به آنچه در کتب مهم عربی هم چون مفضلیات، اغانی و... مطرح گشته می‌پردازد. از مسائل مهمی که در این کتاب دیده می‌شود، اعتقاد او به این است که وجه تسمیه معلقات را به این دلیل که اشعار جاهلی بر پرده کعبه آویزان است، تکذیب می‌کند. وی هم چنین با اشاره به آیات قرآن کریم که در مورد شعر است، پذیرش یا عدم پذیرش شعر از جانب خداوند و رسول الله را مطرح می‌کند و به آغاز و پیدایش شعر عربی اشاره می‌کند و مسئله صحت شعر جاهلی را از زبان بروینلش مورد بررسی قرار می‌دهد. از میان شاعران جاهلی نیز به تحلیل شعر شاعری، به نام الحطینه می‌پردازد. (بدوی، ۱۹۸۶م: ۴۰-۱۷)

نولدکه همانند سایر خاورشناسان در پی شکستن باور گذشتگان درباره این بود که زبان فصیح رایج شعر در عصر جاهلیت زبان قریشی بود. وی معتقد است که لهجه فصیح عربی امروزی، ترکیبی از لهجه‌ی حجاز و نجد و اقلیم فرات است. تفسیر نولدکه در این زمینه، به قول ضیف، تفسیر عام است. می‌توان گفت وی در تفسیر بسیار دقیق بود، به طوری که در مورد هر تفسیری دقت خاصی

داشت. با بررسی علل فرعی به نتیجه کلی می‌رسید و این دقت بالای وی را نشان می‌دهد.
(ضیف، ۱۹۷۲م: ۴۹)

نامه‌ها

ایگناز گلدزیهر معروف به همکاری با اساتید و خاورشناسان معاصرش بود. به طوری که در یکی از نامه‌هایش به دانشجویانش می‌گوید: «اگر می‌خواهی در زندگی ات موفق باشی دو چیز از تو انتظار دارم، هر نامه‌ای که به دستت رسید را جواب بده حتی اگر جوابت منفی باشد و دیگر این که در کنگره شرق شناسان شرکت کن زیرا این به اندازه کار تحقیقاتی ارزش دارد.» این ویژگی شخصیتی گلدزیهر موجب شد تا به تودور نولدکه هم نامه‌هایی بنویسد. نولدکه در این زمان به یکی از معروف‌ترین چهره‌های لغت‌شناسی تبدیل شده بود. (Simon, 1986: p159-161) وی تحت تأثیر نامه‌های گلدزیهر بود که به مطالعات اسلامی علاقه‌مند شد. (یادداشت‌های نگارنده از نشست پژوهشکده تاریخ اسلام: ۹۴/۱۰/۱۲) به طوری که رابرت سیمون هم می‌گوید، دلیل اهمیت مکاتبات گلدزیهر و نولدکه در این است که از طرفی گلدزیهر به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های اسلام‌شناسی مطرح بود و نیز به خاطر این که این دو مستشرق جهان‌بینی منسجم و ثابتی داشتند که در محققان بعد از آن‌ها کمتر پیدا می‌شد. (Simon, 1986: p159-161)

در اکتبر و نوامبر ۱۹۳۲ م. «آکادمیا ارتسیتو»^۱، در نشریه دانشگاهی دانشکده علوم مجارستان، اعلام کرد که کارولی پسر ایگناز گلدزیهر مجموعه عظیمی از نامه‌های دست‌نویس پدرش را به دانشگاه بخشید. در میان نامه‌ها، ۲۱۷ نامه گلدزیهر به نولدکه با وساطت اورل استاین از دانشگاه توبینگن برای کپی گرفتن به امانت گرفته شد. در همان زمان ۲۸۷ نامه نولدکه به گلدزیهر نیز کپی گرفته شد و به مجموعه قبلی اضافه شد. (Simon, 1986: p159-161) این نامه‌ها نشان‌دهنده حقایق علمی و کارهای انسانی گسترده این دو دانشمند بود، که این ویژگی در کارهای چاپی آن‌ها خیلی به چشم نمی‌آید. از سوی دیگر نامه‌های رد و بدل شده بین این دو مستشرق نشان‌دهنده ایدئولوژی و ارزش‌های موجود بین این دو است. (Simon, 1986: p159-161)

نتیجه‌گیری

باتوجه به کلیه مباحث می‌توان نتیجه گرفت که با فاصله گرفتن تدریجی مغرب زمین، از قرون وسطی، اسلام‌شناسی غربیان با پژوهشگری بیشتری قرین شد و به‌مرور زمان شرق‌شناسان نامداری را پدید آورد، که با کشیشان و مورخان زودباور گذشته تفاوت داشتند. به‌راستی می‌توان گفت نولدکه در ردیف هیچ‌کدام از مورخان مغرض و استعمارگرا و جاه‌طلب قرار نمی‌گیرد و شخصی بود که به دنبال علم و حقیقت بود. روند بی‌طرفانه و علمی وی در بررسی‌های آثارش در قبال مسائل اسلام و قرآن را به‌وضوح می‌توان دید. بانگاه به تفکرات نولدکه شاهد این امر هستیم که آگاهی‌های وی، بسیار بیشتر از سایر شرق‌شناسان پیشین خود است و رویکرد مغرضانه شرق‌شناسی در وی به رویکرد روش‌مند و منصفانه‌تری تغییر یافته است. اما در بعضی از آثار از جمله تاریخ القرآن چون مسلمان نیست برخی از مسائلی که محققان مسلمان به دلیل اعتقاد اساساً به آن وارد نمی‌شوند را مورد بحث قرار داد و از طرف دیگر به دلیل این‌که او خارج از حوزه اسلام بوده برخی سوءتفاهمات برایش به وجود می‌آمد و نیز در آثاری چون «حماسه ملی ایرانیان» به دلیل عدم آشنایی با فرهنگ ایرانی، سخنی شگفت‌پیرامون اثر حکیم توس بیان می‌کند و آن این‌که علت عدم قدردانی از شاهنامه حجم بزرگ آن است و همان‌طور که اشاره شد، این سخن وی پایه و اساس منطقی ندارد.

اما اگر از این اشتباهات معدود نولدکه صرف نظر کنیم، در بررسی کلی آثارش متوجه این حقیقت می‌شویم که او همواره مقام علم را بالاتر از عواطف شخصی خود می‌دانست و به هنگام داوری میان مسلمان و یهودی و مسیحی سعی بر آن داشت که جانب حق را بگیرد. در کتاب تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان وی چنان دقیق بوده که امروزه تنها کتاب کریستین سن با آن می‌تواند برابری کند. دلیل این امر هم در تسلط بالای نولدکه بر زبان‌های شرقی و روش فقه‌اللغهی دقیقی که در بررسی واژگان نموده است می‌باشد. اما در حقیقت این امر را نمی‌توان نادیده گرفت که اغلب مستشرقان و از جمله نولدکه به اعتراف خود وی، یونان باستان را مبنای هویت خود ابراز می‌داشتند و لذا می‌توان گفت نه نولدکه و نه هیچ مستشرق دیگری بدون پیش‌فرض نیست.

کتابنامه

- اس ترنر، برایان (۱۳۸۴). رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی پست‌مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه محمدعلی محمدی، تهران: نشر یادآوران.
- اسکندرلو، محمدجواد، حیدر پاسنگ (۱۳۹۱). «بررسی دیدگاه مستشرقان در مورد سیره و تاریخ‌نگاری با رویکرد قرآنی» دوفصلنامه علمی-ترویجی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، س ۷، ش ۱۳.
- اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۷۸). مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ویراستار: سید محمدحسن جواهری، قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- اعظم‌شاهد، رئیس (۱۳۸۶). اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقین، تهران: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
- الویری، محسن (۱۳۸۱). مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت.
- الیگودرزی، فاطمه (۱۳۸۱). «روند شرق‌شناسی و توجه مستشرقین آلمانی به ایران» مجموعه مقالات اولین همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، امیرخانی‌فراہانی، فاطمه (۱۳۹۳). اسلام‌شناسی و اسلام‌شناسان از شناخت تا تعامل، تهران: نشر الهدی.
- انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۷). فرهنگ اعلام سخن، تهران: نشر سخن.
- الدسوقی، محمد، (۱۳۷۶). سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: نشر هزاران.
- الزركلی، خیرالدین، (۱۹۹۲م). الاعلام قاموس تراجم، جزء التامن، بیروت: دارالعلم للملایین.
- بدوی، عبدالرحمان (۱۹۸۴م). موسوعه المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین.
- بدوی، عبدالرحمان (۱۳۷۷). دائره المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نشر روزنه.
- بدوی، عبدالرحمان (۱۹۸۶م). دراسات المستشرقین حول صحه الشعر الجاهلی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- براون، ادوارد (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوایی، تهران: نشر مروارید.

- بلاشر، رژی (۱۳۷۲). *درآمدی بر قرآن*، مترجم اسدالله مبشری، تهران: نشر ارغنون.
- پارسا، فروغ (۱۳۹۰). *خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن کریم*، ویراستار علیرضا پلاسید، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جوانمردی، فوزیه (۱۳۹۴). *نشستی با موضوع «اسلام‌شناسی در سایه شرق‌شناسی» با سخنرانی گئورگ اشتاوت*، پروفسور اسلام‌شناس آلمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵). *نقد آثار خاورشناسان*، تهران: انتشارات چاپخش.
- دولت‌آبادی، معصومه (۱۳۸۹). «مفهوم امی بودن پیامبر (ص) و ادعای مستشرقان» *دوفصلنامه علمی و ترویجی قرآن‌پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)*، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، س ۵، ش ۹.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی. ج ۶، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رامیار، محمود (۱۳۸۴). *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر، چ ۶.
- رحیمی ریشه، احمدرضا (۱۳۸۲). «تاریخ قرآن نولدکه - شوالی»، معرفی، بررسی و نقد منابع، نشریه سقینه، ش ۱.
- رضوان، عمر بن ابراهیم (۱۴۱۳ق). *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*، الرياض: دار طیبه.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۵۸). *شرق‌شناسی و اسلام‌شناسانی غربیان (تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان)*، قم: موسسه بوستان کتاب، حوزه علمیه قم.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۵۸). *مستشرقان و قرآن نقد و بررسی آرای مستشرقان درباره قرآن*، قم: موسسه بوستان کتاب.
- زنجانی، ابو عبدالله (بی‌تا). *تاریخ جامع قرآن کریم*، ترجمه حسام فاطمی، تهران: افشار.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۷). *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- چ ۲.
- شریفی، علی (۱۳۷۸). *بررسی و نقد دیدگاه‌های مستشرقان درباره نسخ قرآن کریم*، رشت: نشر کتاب مبین.

- شعبانی، رضا (مرداد و شهریور ۱۳۶۳). «نقد و معرفی کتاب تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان» نشریه دانش، نشریه مرکز دانشگاهی، س ۴، ش ۵.
- صادقی، تقی (۱۳۷۹). رویکرد خاورشناسان به قرآن، تهران: نشر فرهنگ گستر.
- ضیف، شوقی (۱۹۷۲). البحث الادبی (طبیعت، مناهجه، اصوله، مصادره)، الطبعة السابعة، القاهرة: نشر دارالمعارف.
- عمایره، اسماعیل احمد (۱۹۹۲). الظاهره والاستشراقیه المستشرقون و تاریخ ملتهم بالعربیه، بحث فی الجذور الظاهره والاستشراقیه، عمان: دارحسین.
- فراگنر، برت گ (۱۳۷۰). «ایران‌شناسی در کشورهای آلمانی زبان (۱) و (۲)»، ترجمه مرتضی اسعدی، نشریه دانش، س ۱۱، ش ۶۷.
- کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۵). «قرآن‌های موجود پیش از مصحف عثمان (پدیدآورنده تنودور نولدکه، فریدریش شوالی)» فصلنامه علوم قرآن و حدیث: ترجمان وحی، ش ۱۹.
- کولسینکف، آ. ای (۱۳۵۵). ایران در آستانه یورش تازیان، ترجمه م. ریحیایی، تهران: نشر آگاه.
- گلدزیه، ایگناس (۱۳۵۷). درس‌هایی درباره اسلام، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: نشر کمانگیر.
- مطهری نیا، محمود (۱۳۸۹). مستشرقان و نبی اعظم (ص) نقد و بررسی آرای پنج تن از مستشرقان درباره سیره نبوی و شخصیت و تاریخ پیامبر اعظم، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- معلوف، لویس و دیگران (۱۳۹۰). المنجد فی اللغة و الاعلام، تهران: نشر خرسندی.
- مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۷۹). سیر نگارش‌های علوم قرآنی، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم.
- نولدکه، تنودور (۲۵۳۷). حماسه‌ی ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: نشر سپهر، چ ۳.
- نولدکه، تنودور (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- نولدکه، تنودور (۲۰۰۴م). تاریخ القرآن، تعدیل: فردریش شفالی، مترجم: د. جرج تأمر، بیروت، الطبعة الاولى.

hombly.AS. (1989) *Oxford Advanced learners dictionary*. Fourth edition oxford university press.

Simon, Robert, (1986). *Ignac Goldziher his life and scholarship as reflected his works and correspondence*, E.j. brill- Liden, 1986.

Guralnikmm, David, (1986). *WEBSTERS NEW WORLD DICTIONARY of the American language*, editorichief.